

جشنی برای سینمای مستقل ایران



محسن سلیمانی فاخر
منتقد و نویسنده

در حالی که جشنواره‌های دولتی مانند جشنواره فیلم فجر بیشتر به آثار با سیاست‌های خاص دولتی پرداخته و می‌توانند به‌نوعی موجب تسلط جریان‌های غالب سینمایی شوند، جشن منتقدان سینمایی ایران این فرصت را ایجاد می‌کند که فیلم‌های مستقل و تجربی به دیده‌شدن برسند و از نقدهای تخصصی منتقدان بهره‌مند شوند. منتقدان سینما به‌عنوان ناظران بی‌طرف و آگاه از جزئیات صنعت فیلمسازی، نه‌تنها به ارزیابی کیفیت فیلم‌های پرازدید بلکه با نقدهای خود، راه‌گشای بسیاری از چالش‌های موجود در مسیر تولید و نمایش آثار سینمایی می‌شوند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جشن منتقدان سینمایی ایران این است که از نظر رویکرد و اهداف، همسو با جریان‌های غالب سینمای دولتی و جشنواره‌های رسمی مانند جشنواره فیلم فجر نیست و در حقیقت، فرصتی است برای معرفی سینمای مستقل، جسورانه و نوآورانه، در این رویداد، بیش از آنکه فیلم‌های متعارف و تجاری مورد توجه قرار گیرند، آثار فیلمسازانی که به دنبال تجربه‌های نو و متفاوت در زبان سینما هستند، مورد ارزیابی و تقدیر قرار می‌گیرند. این جشن‌ها به‌جای آنکه تنها از چهره‌های مشهور سینما قدردانی کنند، فرصتی برای معرفی و کشف استعداد‌های جدید فراهم می‌آورند که در سایه توجهات کمتر قرار دارند. به این ترتیب، فیلم‌های مستقل که شاید در جشنواره‌های دولتی کمتر دیده شوند، در این جشن‌ها به مخاطبان و جامعه سینمایی معرفی می‌شوند.

نقد سازنده و ارتقای کیفیت سینمای ایران: یکی از مهم‌ترین وظایف منتقدان در چنین جشن‌هایی، ارائه نقدهای دقیق و بی‌رحمانه است که می‌تواند روند تولید آثار سینمایی را تحت تأثیر قرار دهد. نقدهای مثبت و منفی منتقدان می‌توانند به سازندگان فیلم کمک کنند تا نقاط ضعف خود را شناسایی کرده و برای رفع آنها تلاش کنند. در این راستا، جشن‌هایی مانند جشن منتقدان سینمایی ایران، فرصتی فراهم می‌آورند تا فیلمسازان از بازخوردهای حرفه‌ای بهره‌مند شوند و به ارتقای کیفیت آثار خود بپردازند. همچنین این نوع نقدها می‌توانند موجب بازتاب و نقدهای اجتماعی و فرهنگی باشند که نقش سینما را به‌عنوان یک رسانه تأثیرگذار در آگاهی‌بخشی و تغییر در جامعه تقویت می‌کنند.

به عبارت دیگر، جشن منتقدان سینمایی نه تنها به تحلیل جنبه‌های هنری فیلم‌ها می‌پردازد، بلکه با بررسی جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی آثار، سینما را به‌عنوان ابزاری برای انعکاس مسائل جامعه معرفی می‌کند. **سینمای مستقل در سایه حمایت منتقدان:** یکی از چالش‌های بزرگ سینمای ایران، محدودیت‌های تولید و هزینه‌های سنگین است. این مشکلات باعث می‌شود که بسیاری از فیلمسازان مستقل و تجربی نتوانند آثار خود را به نمایش بگذارند یا برایشان فضای جهت دیده‌شدن در جشنواره‌های بزرگ، وجود نداشته باشد. در این شرایط، جشن منتقدان سینمایی می‌تواند به‌عنوان سکوی پرتابی برای سینمای مستقل عمل کند. در این مراسم‌ها، سینماگران مستقل می‌توانند نه‌تنها به عرضه آثار خود بپردازند، بلکه از نقدهای تخصصی منتقدان بهره‌مند شوند که به ارتقای کارهایشان کمک خواهد کرد. جشن‌های منتقدان، فرصتی برای معرفی فیلم‌هایی است که می‌توانند در آینده به‌عنوان نمادهای سینمای مستقل ایران شناخته شوند. در این جشن‌ها، مهم نیست که فیلمساز معروف باشد یا ناشناخته؛ مهم آن است که آثار از نظر هنری و سینمایی شایسته تقدیر باشند. این رویکرد به فیلمسازان جوان این پیام را می‌دهد که استعداد و نوآوری همیشه در اولویت قرار دارد؛ نه شهرت و پیشینه‌های مالی.

نقد اجتماعی و فرهنگی سینما: تبلور سینمای متفاوت: منتقدان سینما به‌طور معمول قادرند به خوبی وضعیت اجتماعی و فرهنگی جامعه را از دریچه سینما نقد کنند. در جشن‌هایی که منتقدان از طیف‌های مختلف حضور دارند، می‌توان شاهد تأثیرگذارترین نقدهای اجتماعی بود که در نهایت می‌تواند به ارتقای آگاهی عمومی، همچنین آگاهی‌ساز بودن سینما کمک کند. این نوع نقدها می‌تواند موجب تحریک بحث‌های گسترده‌تری در جامعه شود و سینما را به‌عنوان یک رسانه تأثیرگذار در بازتاب مسائل اجتماعی معرفی کند. فیلم‌های «علت مرگ نامعلوم» و «جنگل نرغال» نمونه‌های خوبی از سینمای مستقل ایران هستند که در جریان‌های غالب سینمایی کمتر دیده می‌شوند. این نوع فیلم‌ها، که به‌دور از قالب‌های تجاری هستند، نیاز به حمایت منتقدان و جشن‌های سینمایی مستقل دارند تا بتوانند در مسیر رشد و توسعه سینمای ایران سهم خود را پیدا کنند. چنین جشن‌هایی فرصتی را برای معرفی این آثار فراهم می‌آورند تا سینمای مستقل در برابر سینمای تجاری بر جسته شود.

جایزه‌ای با ارزش‌تر از سیمرغ

داوری مستقل، پانزدهمین جشن منتقدان سینما را متمایز کرد

در شب‌هفته جاری شروع کرد. به اعتقاد گودرزی، سینمای ما از زخمی عمیق رنج می‌برد: «فقر ژانر، یعنی فقر تخیل». پانزدهمین دوره از جشن منتقدان و نویسندگان سینمایی ایران، پس از گذشت سه‌سال از دوره چهاردهم و تعویق دوماهه با شروع جنگ ۱۲ روزه، ابتدای هفته در کتابخانه ملی با حضور هنرمندان و منتقدان برگزار شد. انجمن منتقدان و نویسندگان سینمای ایران تقریباً ۲۰ سال است که جشنی را در قالب جشن منتقدان سینمایی برگزار و براساس رأی‌گیری اعضای آن به سینماگران منتخب، جایزه اهدا می‌کند. دوره پانزدهم این جشن قرار بود که در ۳۱ خردادماه امسال برگزار شود، اما تجاوز رژیم صهیونیستی به کشورمان، برگزاری آن را به تعویق انداخت.

رأی‌های پاک؟

در دوره‌های گذشته، داوری این جشن بیشتر به آثاری که در جشنواره‌هایی مانند فیلم فجر حضور داشتند، محدود بود. در نتیجه بسیاری از فیلم‌های اکران‌شده در سینما یا پلنفرم‌های آنلاین، از داوری خارج می‌شدند. به همین دلیل، در سال‌های اخیر انتقادهای زیادی در فرآیند رأی‌گیری این جشن برای ارزیابی نامزدها و اعلام منتخبین مطرح شد. برگزارکنندگان پانزدهمین جشن منتقدین سینما نیز به این انتقادهای توجه کردند و روند را با داوری ۲۰۷ اثر اکران‌شده سینما طی سه‌سال اخیر و رأی‌گیری آکادمیک بیش از ۱۰۰ نفر از اعضای انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی ایران در ۱۳ رشته، اصلاح کردند. با این حال به نظر می‌رسد که جشن منتقدان هنوز راه زیادی دارد تا به یک فضای باز و منصفانه تبدیل

سینمای ایران است. حتی اهمیت دریافت جایزه از داوران این جشن، برای سینماگران از نشستن سیمرغ جشنواره فیلم فجر در کنار نام آن‌ها هم بالاتر است.

«مخاطب ما بی‌سلیقه نیست، تحقیرش کرده‌اند. با آثاری که نه تخیل را قلقلک می‌دهند، نه اندیشه را. نه می‌خندانند، نه می‌گریانند.» این بخشی از بیانهی انجمن منتقدان است که جعفر گودرزی با قرائت آن، برگزاری پانزدهمین جشن این انجمن را

سینمای ایران

مهسا طاعتی

خبرنگار گروه فرهنگ

جشن منتقدان سینما در نبود جشنواره‌های مستقل از جریان‌های رسمی و دولتی کشور، رویدادی مهم و متمایز برای اعضای خانواده



عکس: تابستانا

گفت‌وگو با مجیدبرزگر فیلمساز و تهیه‌کننده فیلم «علت مرگ نامعلوم» که جایزه بهترین فیلم و کارگردانی جشن منتقدان را دریافت کرد

سینمای مستقل منتظر کسی نمی‌ماند

نگاه سینماگر

به‌رحال به‌شوه‌هایی هم دست پیدا کردیم که بتوانیم استقلال‌مان را حفظ کنیم، چگونه پول خود را تأمین کنیم، چگونه تولید را از ران و پهنه انجام دهیم، چگونه از انرژی موجود استفاده کنیم و در زمان‌بندی و برنامه‌ریزی با دقت کار کنیم و تولید را شروع کنیم. تا امروز، فیلم‌هایی مانند «پریدن از ارتفاع کم»، «وادراما» و «نشت» را ساخته‌ایم که اولین نمایش آن‌ها در برلین بوده است. فیلم‌های دیگری مانند «میمرو»، «دشمنان»، «امان» و... هم ساخته‌ایم که امیدواریم به‌زودی اکران شود. واقعیت این است که هیچ تهیه‌کننده‌ای حاضر نبود این فیلم‌ها را تولید کند. بنابراین به‌تدریج تبدیل شدن به یک تهیه‌کننده، نه از سر علاقه بلکه از سر ضرورت؛ چرا که کسی حاضر نبود چنین فیلم‌هایی را کار کند. اما اصل ماجرا برای من همیشه فیلمنامه بود و خود بچه‌ها. نگاه و انگیزه‌شان. شوقشان برای خود سینما، نه هیجان ورود به حرفه سینما.

فکر می‌کنم شرایط حتی در مقایسه با زمانی که فیلم «علت مرگ نامعلوم» را در زمستان ۱۳۹۹ ساختیم، تغییر کرده است. اول از همه، شرایط اقتصادی تأثیر زیادی بر همه زمینه‌ها و حوزه‌ها گذاشته است. چه فیلمساز باشید چه نه، هزینه‌های زندگی به‌طرز حیرت‌انگیزی بالا رفته است؛ از یک‌تکان یا یک کیلو گوشت گرفته تا وسایل دکور و مصادیق یک زندگی عادی و مواردی که به فیلمسازی هم ربطی ندارند، گران شده است. افزون بر این‌ها، دستمزدها و هزینه‌های دیگر در سینما نیز اضافه شده و اساساً سینما در مرتبه‌ای دیگر از تورم قرار گرفته است. اگر شرایط اجازه دهد، یا در واقع اگر دست من برای کار فعالیت آزادانه و بدون توضیح اضافه‌باز باشد، حتماً ادامه خواهیم داد. تقریباً همه فیلم‌هایی که ساخته‌ام، انتخاب درستی بوده و کارنامه‌نشان می‌دهد که فیلم‌های موفق، به‌هر تعریفی - از اب درآمد اند؛ چه آن‌هایی که خودم کارگردانی کرده‌ام و چه آن‌هایی که تهیه کرده‌ام. این یعنی احتمالاً شناختی از مدل خاصی از فیلمسازی دارم. اگر این فرصت فراهم باشد، این مسیر را می‌توانم ادامه دهم.

منوعیت‌ها و سانسورها مانع از این شد که کار کنم. از سال ۱۴۰۱ به این طرف به‌دلالی اصلاً فرصت و اجازه کار نداشتم و سال‌های گذشته نیز فقط به تدریس گذشت. این در حالی است که انرژی این دوران و این سن و سال می‌توانست منجر به تولید یکی، دو فیلم دیگر شود.

به نظر شما باتوجه به وضعیت اقتصاد سینما، دشوار بودن تأمین بودجه و مواردی از این دست، سینمای مستقل ایران می‌تواند به بقای خود ادامه دهد و به‌عنوان یک جریان مستقل در برابر سینمای تجاری قد علم کند؟ آیا تغییرات ساختاری در مدیریت فرهنگی برای حمایت از این نوع سینما، لازم است؟

به‌نظر من، شرایط بسیار سخت‌تر از گذشته شده، اما مسیر رویه جلو و روشن است. من در اطراف خدوم می‌بینم که اشتیاق برای ساخت فیلم وجود دارد و همچنان فیلم‌های مستقل، خارج از چارچوب‌های رسمی ساخته می‌شوند. همین امر یک فرصت و امتیاز است. آنچه در اینجا مهم است، به مدیران فرهنگی بر می‌گردد؛ نه سرمایه‌گذاران بخش خصوصی. در طول فعالیت ۳۰ ساله‌ام، هیچ‌وقت انتظار نداشتم یک سرمایه‌گذار شخصی فیلم‌ام را سرمایه‌گذاری کند، مگر از سر علاقه و اشتیاق

سه‌سال، انبوهی از فیلم‌ها، حدود ۲۷۰ فیلم، بررسی شده است. برای ما این جالب و خوشحال‌کننده است که برگزیده سه‌سال سینمای ایران توسط منتقدین شدیم. اما واقعیت این است که فیلم ما اکران شد، حتی اکران آنلاین آن هم به پایان رسیده و تقریباً تمام فرصت‌های چهار سال گذشته‌اش را خرج کرده است. ایستگاه اختتامیه این فیلم، پانزدهمین جشن انجمن منتقدین و نویسندگان بود و شاید چندان دستاورد ملموسی - در جذب و دعوت مخاطب - نداشت، اما به‌رحال برای ثبت در شناسنامه فیلم و ثبت در تاریخ سینما، برای ما اهمیت دارد. قطعاً این را هم می‌دانم که بعد از انتشار اخبار این جوایز، مخاطبانی که فیلم را ندیده‌اند پیگیر تماشا می‌شوند. اینکه هم در زمان اکران و هم توسط منتقدان، نقدهای مثبت و بازتاب‌های بسیار خوبی دریافت کردیم و اینکه در یک گروه داوری بزرگ، فیلم توانست جوایز اصلی این جشن مهم را به‌دست بیاورد، حتماً انگیزه و انرژی ما را تقویت می‌کند تا از مدلی که برای ساخت فیلم انتخاب کرده‌ایم، پشیمان نشویم. این مدل فیلمسازی به هیچ‌شکری؛ اعم از بازار، تماشاگر یا هر شکل دیگری از درخواست، باج نمی‌دهد. این مدل فیلمسازی براساس آموزه‌ها، جهان‌بینی و توانایی‌های سینمایی ما ساخته می‌شود و بر دانایی متمرکز است. بنابراین وقتی چنین تأییدیهایی می‌گیریم، متوجه می‌شویم شاید مسیر را به خطا نرفته‌ایم و در ادامه نیز گام‌های محکم‌تری برای آینده‌ای روشن‌تر برداریم.

آقای بزرگر، شما چندین سال با فیلمسازان مستقل همراهی کرده‌اید، از جمله آقای زنگار که فیلم‌شان جوایز زیادی کسب کرده است. آیا باتوجه به مسیری که در سینما پیموه‌اید سرمایه‌گذاری و ساخت آثار مستقل با همین رویکرد را ادامه می‌دهید؟

بله. من در کارنامه خودم چهار فیلم بلند ساخته‌ام و بیش از ۱۰ فیلم بلند و بیش از ۵۰ فیلم کوتاه را تهیه‌کنندگی کرده‌ام که اغلب‌شان نیز موفق بوده‌اند. مستندهایم نیز همین‌طور بوده‌اند. در خلال این سال‌ها چند تصمیم مهم گرفتم؛ هیچ‌گاه تهیه‌کننده حرفه‌ای نبودم، اما به یک‌دلیل خاص نزدیک دودهه است که این کار را انجام می‌دهم. وقتی می‌خواستیم فیلم اولم را بسازم، بیش از ۱۰ سال درگیر آن بودم. سال ۱۳۷۸ اولین بار پروانه ساخت را گرفتم و بعد، آن پروانه توسط فابری لغو شد. فیلم اولم را در سال ۱۳۸۶ ساختیم؛ یعنی حدود ۱۰ سال بعد. تمام این سال‌ها پیگیر بودم که یک دفتر فیلمسازی با یک تهیه‌کننده برای ساخت فیلم‌ها به من اعتماد کند. همه دفاتر فیلمسازی می‌گفتند: «بله، می‌توانید فیلم بسازید، اما پیشنهاد ما این است که این قصه‌ای که ما می‌گوییم یا این عوامل، در آن باشند». برای فیلم اولم، آقای منوچهر شاهسوری اعتماد کرد و تهیه‌کننده‌ام شد. که همیشه از او سپاسگزارم. و بعد هم فیلم «پرویز» را ساختیم. حتی پیش از آن، فکر می‌کردم که باید بر شکلی از استقلال در تولید تمرکز کنم، یعنی فرمی از فیلمسازی که وابسته به جریان پول و تهیه‌کننده جریان اصلی نباشد. آن‌ها نگران مسائل مالی، بازگشت سرمایه و شاید اعتبار خودشان بودند، ولی فکر کردم که باید در جای دیگری بایستم. بنابراین بدون اینکه علاقه‌ای اصلی به تهیه‌کنندگی داشتم، خودم تهیه‌کننده شدم. هدفم این بود که برای کسانی که دوروبرم بودند، مسیر طولانی فیلمسازی را کوتاه کنم.

مسعود شاه حسینی: ساختن فیلم مستقل در هر نقطه جهان، دشواری‌های خاص خود را دارد و در ایران، این مسیر پرچالش‌تر و پُربییج و خم‌تر است. در سال‌های اخیر، سیاست‌ها و گرایش‌های کلان فرهنگی بیشتر معطوف به فیلم‌های کم‌دی و عامه‌پسند بوده است، اما این فیلم‌های مستقل هستند که با کیفیت، جسارت و خلاقیت خود، اعتبار اصلی سینما را شکل داده‌اند. بسیاری از فیلمسازان مستقل با محدودیت‌های مالی، سانسور و فقدان حمایت‌های ساختاری روبه‌رو بوده‌اند، با این حال همواره در تلاش‌اند تا صادیات متفاوت و مستقل در سینما داشته باشند؛ صادی که نه تنها با جریان‌های غالب سینما، بلکه با تحولات اجتماعی و فرهنگی نیز در تعامل است. یکی از نمونه‌های برجسته این تلاش‌ها، فیلم «علت مرگ نامعلوم»، ساخته علی زرنگار و تهیه‌کنندگی مجید بزرگر است که با وجود توقیف طولانی مدت و محدودیت‌های اکران، در نهایت در جشن پانزدهمین انجمن منتقدان و نویسندگان سینمای ایران، جایزه بهترین کارگردانی و بهترین فیلم را دریافت کرد. این جایزه را شاید بتوان پیام مهمی برای سینمای مستقل ایران به حساب آورد؛ نکته‌ای که مجید بزرگر در گفت‌وگو با «هم‌میهن» نیز به آن اشاره می‌کند. نخستین پیام این است که هنوز فیلم‌هایی با نگاه مستقل و متفاوت می‌توانند دیده شوند، حتی در شرایط سخت اقتصادی و اجتماعی.

فیلم «علت مرگ نامعلوم»: سال‌ها توقیف بوده یا اکران نشده بود، با این حال در جشن منتقدان به آن توجه شد و جایزه بهترین فیلم و کارگردانی را دریافت کرد. کسب این جایزه، چه پیام‌هایی برای یک فیلمساز مستقل دارد؟

فکر می‌کنم برای سینمای مستقل، جایزه گرفتن از یک آکادمی بزرگ مثل آکادمی انجمن منتقدین و نویسندگان سینمایی کشور با تعداد بالای رأی‌دهندگان، یک اتفاق خوشایند است. طبیعتاً دیده‌شدن از طرف یک نهاد صنفی مستقل و بدون گرایش و وابستگی، ولو اینکه برخی از اعضای آن هم به‌صورت شخصی دارای جهت‌گیری باشند، دلپذیر است. البته این را هم می‌دانم که جوایز همیشه نسبی‌اند. بسیاری از فیلم‌ها شایستگی دریافت جایزه را داشته‌اند. ولی به‌رحال، یک فیلم یا یک اسم باید اعلام شود و این شایستگی دیگر آثار و افراد را زیر سؤال نمی‌برد. اعضای انجمن منتقدین و نویسندگان سینمایی به‌شکل حرفه‌ای فیلم‌های زیادی را در طول سال تماشا می‌کنند و مدام در حال داوری و مقایسه هستند و این می‌تواند برای فیلم‌های برگزیده، نکته اصلی باشد و جایزه را برایشان جایزه‌ای متفاوت کند.

آیا چنین اعتبار بخشی‌ای در رقم‌خوردن آینده‌ای بهتر و درخشان‌تر برای فیلمسازان مستقل و جریان سینمای مستقل ایران، تأثیر دارد؟

مشخصاً درباره امسال و فیلم «علت مرگ نامعلوم» شاید نتوان چنین ارزیابی‌ای داشت. جشن منتقدین و نویسندگان سینمایی سه‌سال به‌دلیل شرایط اجتماعی و سیاسی کشور در پی حوادث ۱۴۰۱ برگزار نشده بود. در این